

آرمان آرمانشهری در شهرهای آرمانی شیعی

محمد هادی ادیب خواه* - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه هنر و معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Utopian ideal of utopian Shi'ite cities

Abstract

Utopia and idealism in history have had the importance of learning; Utopia in view of the universal manifestation of the wishes and aspirations of human to their aspirations and dreams in the social structure of the city to bring objectivity. Accordingly, each scholar in the field of critical thought, the features and characteristics of Utopia is examined from a particular perspective; Thoughtful and critical thinking and the requirements of historical, social and cultural expression and to determine the characteristics and even the type of approach to the concept of the ideal effect; And so that different approaches in dealing with this issue has attracted the human mind. The research is descriptive and analytical study of Data library studies and documentary method is used. The results show that the Western utopia Find all aspects of the material world and more fully in a position of "Plato's Cave" are. In this analogy, the emergence of mind from the lower to the higher line, progress is the recognition of pension and mind during the development of the knowledge gained enough knowledge is inadequate; The Iranian utopia, a utopia that is dependent on the Shi'i Islamic ideal and utopia Mahdavi that its characteristics are mentioned in detail.

Keywords: Vision, Utopia, utopian theories, Shiite utopia, utopia Mahdavi.

چکیده

آرمانشهرها و آرمان گرایی در طول تاریخ از اهمیت فراگیری برخوردار بوده اند؛ چنانچه آرمانشهر در دیدگاهی جهان شمول، جلوه ای از خواسته ها و آرمانهای بشری است تا بتواند تمنیات و رویاهای خویش را در ساختار اجتماعی و کالبدی شهر به عینیت برساند. بر همین اساس است که هر اندیشمند بر حسب حوزه اندیشه انتقادی خود، ویژگیها و شاخصه های آرمانشهر را از دیدگاهی خاص مورد ارزیابی قرار داده است. راست است که اندیشه متفکر و نقاد، و شرایط و مقتضیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، در بیان و تعیین ویژگیها و حتی نوع رویکرد به مفاهیم شهر آرمانی تاثیر دارد؛ و این چنین است که رویکردهای متفاوتی در برخورد با این مقوله ذهن بشر را به خود معطوف داشته است. روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی است که از ابزار گردآوری داده شامل مطالعات کتابخانه ای و روش اسنادی بهره برده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که آرمانشهر غربی در جستجوی همه ابعاد در عالم مادی و بطور کامل تر در مقام مصداق «غار افلاطونی» است. در این تمثیل، عروج ذهن از بخش های پایین خط به بخش های بالاتر، پیشرفتی شناخت شناسی است و ذهن در جریان مستمری از تکامل، از حالت شناخت نابسند به شناخت کافی دست می یابد. همچنین آرمانشهر ایرانی، یک آرمانشهر شیعی است که وابسته به جامعه آرمانی اسلامی و مدینه فاضله مهدوی دارد که خصوصیات آن به تفصیل اشاره شده است. واژگان کلیدی: آرمان، آرمانشهر، نظریه های آرمانشهری، آرمانشهر شیعی، مدینه فاضله مهدوی.

۱- مقدمه

آرمان گرایی و «جامعه آرمانی» در تاریخ فلسفه، جایگاه ویژه‌ای دارد. در یونان باستان، اولین کسی که این بحث را مطرح کرد، «افلاطون» بود. وی اصطلاح «ایده آلیسم» را- که مترادف با آرمان گرایی بود- در مقابل عالم محسوس، به کار بُرد و ایده آله‌ها را مفاهیمی خارج از محسوسات دانست که در واقع، از دید و لمس بشر، خارج اند و در جایی دور از دسترس انسان قرار دارند. در ترجمه اندیشمندان اسلامی، «ایده»، به «مثال» و «نمونه» برگردان شد و گروهی- که به پیروان فلسفه «اشراق» معروف اند- به بسط و گسترش این تفکر، با اندکی تفاوت پرداختند. تا اواخر قرن هفدهم میلادی، این نوع برداشت از مفاهیم و موجودات اطراف، با قوت، پیگیری شد و هرکس به فراخور حال خود، به تبیین و تشریح آن پرداخت؛ اما از این زمان به بعد، با پدید آمدن جریان های فلسفی جدید، این مفهوم هم رنگ و لعاب دیگری یافت و در پس تحولات بزرگ روحی، فکری و صنعتی بشر، به مفاهیمی دیگر- که هیچ سنخیتی با باورهای اولیه نداشتند- تغییر ماهیت داد. گروهی، ایده آل را در برابر واقعیت قرار دادند. در این اندیشه، ایده آل، چیزی است که فقط در عالم ذهن به آن می توان رسید، نه در عالم خارج؛ لذا به آن، اصالت دادند و گفتند چاره‌ای، جز تلاش برای نزدیک شدن به این مفهوم نیست؛ زیرا ذهن است که توان ارتقای وضع موجود را دارد. قاعدتاً در برابر این گروه‌ها، کسانی ایستادند که به طور کامل، ایده یا به عبارت بهتر، آرمان را نفی کردند و آن را

اگر بخواهد بهشتی بر روی زمین وجود داشته باشد، باید همه زمین را در برگیرد و اگر بخواهیم بار دیگر آن را یافته و از آن لذت ببریم، باید آن را کاملاً از نو بسازیم (فردیناند فریتز، ۱۹۹۳).

ضایع کننده انرژی، استعداد و توانایی بشر دانستند. این افراد، اصالت را به واقعیت موجود و آنچه من و شما داریم می بینیم و می شنویم و لمس می کنیم، دادند و به «رنالیستها» مشهور شدند. این دگرگونی در مفاهیم، در دیگر بخشهای زندگی (چون هنر) نیز پدیدار شد و در تعریف «زیبایی شناسی» نیز ردپایی از خود به جا گذاشت. در جریان همین تغییرات، گروهی نیز، «ایده آل گرایی» را در جبهه روبه روی «عمل گرایی» یا همان «پراگماتیسم» قرار دادند و اصالت را به عمل دادند، نه به ایده. در این مقاله مفهوم آرمانی آرمانشهرها در تاریخ مورد ارزیابی قرار داده شده و بعد از ذکر مطالبی در رابطه با پیشینه، نظریه ها و موضوعات وابسته، در پایان ابعادی چند از آرمانشهر مهدوی بیان می شود.

مواد و روشها

ماهیت این پژوهش «نظری» و دارای «رویکردی بنیادی» است؛ لذا در این گفتار تلاش می شود تا در رویکردی توصیفی- تحلیلی و با رجوع به منابع موجود و در دسترس و در روش گردآوری داده: مطالعات کتابخانه ای و اسنادی، به بررسی آرمانشهر در ایران و جهان پرداخته شود و در پایان شرایط آرمانشهر مهدوی بیان می گردد. روش تحقیق پژوهش حاضر، «توصیفی و تحلیلی» بوده که با روش فراتحلیل و روش استدلال منطقی همراه بوده است. ابزار گردآوری داده ها نیز مشتمل بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی بوده که از بیشینه منابع در دسترس و موجود با تاکید بر منابع حوزه دانش شهرسازی و معماری بهره برده است.

۱. برخی نام های دیگر این جامعه آرمانی در ادبیات ما و جهان، عبارت اند از: شهر آفتاب، جزیره خضرا، جابلقا، جابلسا، آتلانتیس (citnaltA)، شهر موعود، مدینه، اورفالیس، مدینه کامله. در عالم اسلام، فیلسوفانی چون: ابونصر فارابی (م ۹۳۳ق) در کتاب های: «سیاست مدنی» و «آراء أهل المدینة الفاضله» و «تحصیل السعادة» و ابن مسکویه رازی (م ۲۴ق) در کتاب های: «جاویدان خرد» و «ترتیب السعادات» و ابن باجه اندلسی (م ۲۳۵ق) در کتاب: «تدبیر المتوحد» و دکتر علی شریعتی در کتاب: «امت و امامت»، به نظریه پردازی در این موضوع پرداخته اند.

ادبیات تحقیق

در ادامه در باب ریشه شناسی، به چند تعریف به اختصار اشاره می شود.

۱. «آرمان»: در ادب فارسی، آرمان، در لغت به معنای آرزو و اَمَل و همچنین اُمید و رجا آمده است. در اصطلاح عوام، به خواسته ها، آرزوها و حالات روحی ای گفته می شود که دست نیافتنی است و اگرهم امکان دست یافتن به آن باشد، گرفتاری-های فراوان به همراه دارد.

۲. «آرمان گرایی»: مفهومی است که می توان معنای گوناگونی برای آن متصور شد. عده ای می گویند تعبیری چون آرمان، سعادت، آزادی، اتوپیا و غیره قابل ادراک کامل نیست و نمی توان تعریفی جامع و مشترک (بین تمام علوم) از آن به دست آورد. در واقع، به نظر این گروه، به تعداد تعاریفی که از این مفاهیم ارائه می شود، امکان وجود تفاوت هم هست. لذا بحث از این مقولات را فردی، ذهنی و فضایی می دانند و از پرداختن به آن، خودداری می کنند؛ اما از دیدگاه دیگر، با دقت نظر می توان به تعریفی رسید که حداقل های تعریف جامع را داشته و ریشه در مفاهیم و باورهای مذهبی، قومی و حتی گروهی داشته باشد.

۳. «آرمان شهر»: اصل واژه utopia یونانی است و معنی آن «جایی که وجود ندارد» یا «ناکجا آباد» می باشد. اتوپیا Utopia واژه ای است مرکب از OU (او) یونانی به معنای «نفی» و کلمه TOPOS (توپوس) به معنای «مکان» می باشد؛ بنابراین از لحاظ لغوی به معنای «لامکان» می باشد. آرمان شهر (در زبان های غربی utopia) برای نخستین بار توسط توماس مور در سال ۱۵۱۶ در کتابی به همان عنوان بکار گرفته

شد. پیش تر مفهوم های مشابهی از این واژه در آرای فلاسفه یونان باستان عرضه شده و در فلسفه اسلامی از آن به عنوان «مدینه فاضله» یاد شده است.

۴. «آرمان شهرخواهی» (به انگلیسی: utopianism): عبارت از دلبستگی به ایجاد یا خیال پردازی درباره یک نظم اجتماعی آرمانی است. از روزگار افلاطون تاکنون بسیاری از نویسندگان طرح جامعه های آرمانی ریخته اند و همچنین بسیاری از گروه های دینی و بهبودخواهان سیاسی در اروپا کوشش هایی برای برپا کردن جامعه های آرمانی کرده اند. در «فرهنگ فارسی معین» آمده است: (ش) (امر). جامعه ای خیالی و آرمانی که در آن نظام کاملی برای سعادت نوع بشر حکم فرماست و از هر گونه شر و بدی از قبیل فقر و بدبختی عاری است و افرادش به کمال علمی و عملی رسیده و از هوی و هوس رسته اند، مدینه فاضله، یوتوپیا.

۵. «آرمان گرایی»: به طور کلی، اگر در حرکت به جلو و پیشرفت، هدف، رسیدن به هدفی کاملاً مطلوب، بی عیب و نقص و دربرگیرنده تمام خواسته های بشری باشد، می توان آن را آرمان گرایی نامید. در این مسیر، باید با توجه به آرمان و غایت آرزو، به سنجش خود پرداخت. مدام با معیار هدف و در جهت تحقق آن، به ارزیابی فعل و انفعالات انجام گرفته، دست زد. بر این اساس، مبنا و ملاک موفقیت، میزان نزدیکی به هدف نهایی خواهد بود. مثلاً اگر هدف رسیدن به قلهایی است که تاکنون کسی آن را فتح نکرده، آرمان در این نهفته است که آن قله فتح شود، هر چند که محال یا بسیار سخت به نظر آید.

آرمان شهر، با نام های گوناگونی چون: مدینه فاضله، ناکجا آباد، شهر خدا، جامعه توحیدی و در اصطلاح

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۳۷

۱. این کتاب شرح زندگی مردم انگلستان در قرن ۶۱ است زیرا در این سالها انگلستان درگیر جنگ های متعددی بود و فقر و فساد و منازعات داخلی در انگلستان بیداد می کرد به طوری که در این سالها کمتر خانواده ای در انگلستان مشاهده می شد که تنی چند از خانواده خود را در این جنگها از دست نداده و یا به هر نحوی در گیر این اختلافات و درگیری ها نبوده باشد. از اینها گذشته عده ای از مردم انگلستان نیز در این سالها عادت کرده بودند که معاش خود را از راه اشتغال در مشاغل نظامی تامین نمایند و این عملاً به گسترده شدن فضای نظامی در انگلستان بیشتر کمک می کرد. لذا مور برای تسکین آلام مردم انگلستان به نوشتن کتاب اتوبی روی آورد و ضمن تشریح وضعیت نابسامان این کشور و گله و شکایت از آن «رافائل هیتلدو» را شخصی می داند که در هنگام دریانوردی موفق به کشف جزیره اتوبی می شود.

این واژه برای اولین بار در کتاب آرمانشهر اثر «سر توماس مور»^۲ که به زبان لاتینی و درباره عالی ترین شکل جمهوری و جزیره جدید اتوپیا در سال ۱۵۱۶ انتشار یافت - مورد استفاده قرار گرفت. توماس مور واژه اتوپیا را از واژگان یونانی گرفته و ترکیب کرده است. (ou) به معنی not و (topos) به معنی place در زبان انگلیسی است، و ترکیب این دو کلمه یونانی به مفهوم «هیچ جا»^۳ یا ناکجاآباد است. او در سال ۱۵۱۵، یعنی زمانی که در سفارت «فلاندرز»^۴ کار می کرد، کتاب دوم «اتوپیا»^۵ را نوشت و در آن به شرح یک جامعه (شهر) کمونیستی و بی مذهب پرداخت که نهادها و سیاست های آن به شیوه ای کاملاً عقلانی اداره می شدند. نظم و منزلت چنین جامعه ای تضاد قابل توجهی با شیوه غیرعقلانی اداره اروپای مسیحی داشت، که بر اساس منافع شخصی و حرص و طمع برای قدرت و ثروت تقسیم شده و بیشتر در کتاب اول (نوشته شده در انگلستان، ۱۵۱۶) شرح آن رفته بود. توصیف اتوپیا از زبان مسافری رموز به نام «رافائل هیتلودی»^۶ و در دفاع از ایده نویسنده - که کمونیسم را تنها راه مقابله با خودپرستی در زندگی خصوصی و عمومی می دانست - بیان می شود. وی در مکالمات با این فرض که طبیعت آدمی جایز الخطاست درباره کاهش بدی حرف می زند تا درمان آن. بنابراین این امر به خواننده بستگی دارد که حدس بزند کدام بخش های این نوشته درخشان که حاوی کنایات و ظرایف طنزآمیز است^۷ - جدی و کدامیک تناقضی آشکار است. آرمان شهرهای مکتوب ممکن است عملی، طنزآمیز و یا ذهنی باشند. آرمانشهرها بسیار

غربی ها «اتوپیا» به جامعه آرمانی و ایده آل انسان گفته می شود و ویژه مکانی خاص نیست و در واقع، هر جایی است که در آن، همه مردم، با نیک بختی و سعادت در کنار یکدیگر، در صلح و آرامش به سر می برند و در آن جا از ظلم و فساد، اثری نیست. اما باید دید که این اندیشه، از چه زمانی شروع شده و چگونه بشر می تواند به آرزوی خود - که داشتن چنین جامعه ای است - دست یابد. عده ای، آغاز هبوط انسان از بهشت را، آغاز تفکر آرمان گرایی می دانند؛ زیرا آدمی از همان زمان، در آرزوی بازگشت به بهشت موعود بوده است. در آرمان ایرانیان باستان، خداوند به پادشاهی، نیکوکار، مقام فرّه ایزدی (توفیق خدایی/فرخندگی) می بخشد و پادشاه برگزیده حق، در این مقام، ظلم را در زمین، محو و نابود می کند و عدالت را برای همگان به ارمغان می آورد. این طرز اندیشه، در سیر تحول تاریخ، در تفکر ادیان توحیدی، به عالی ترین آرمان، مبدل شد. با این توصیف، گویا بشر از ابتدا، هر زمان که ناملایمات و جنگ و دشمنی، زندگی اش را به تلاطم می انداخت، با پناه بردن به آرزو و آرمان، در تخیل خود، جامعه آرمانی و ایده آل خود را ترسیم می کرده است.

پیشینه تحقیق

«آرمانشهر»^۱ به جامعه ای ایده آل گفته می شود که ساکنان آن در شرایطی به ظاهر تمام عیار و بی نقص زندگی می کنند. بنابراین واژگان آرمانی یا آرمان گرایی برای اصلاحاتی خیال انگیز به کار برده می شوند که به طرز دست نیافتنی ایده آل هستند.

- | | |
|-------------------|------------|
| 1. Utopia | 3.no place |
| 2.Sir Thomas More | 4.Flanders |

۵.فلاندر که در هلندی Vlaanderen و در فرانسه Flandre خوانده می شود، جامعه ای (سیاسی) از فلیمینگ ها و همچنین موسسه ای در بلژیک و یک منطقه جغرافیایی در هلند، بلژیک و فرانسه کنونی است. در طول تاریخ منطقه جغرافیایی که فلاندر خوانده می شود تغییر یافته است.

- | | |
|----------------------|---------------------|
| 6. Book II of Utopia | 7.Raphael Hythloday |
|----------------------|---------------------|

۸. «jeu d'esprit» عبارتی فرانسوی به مفهوم لغوی «بازی ذهن» و ترجمه دقیق تر آن پرواز خیال (flight of fancy) است، این اصطلاح برای لطیفه ها و قطعات هجایی مانند آثار «اسکار وایلد» و عموماً برای قطعات نوشتاری چون اشعار غیرمسجع و رمان های کمدی کوتاه که دارای ماهیت طنزآمیزی هستند، استفاده می شود.

کهن سال تر از نام خود هستند. کتاب «جمهوریت» افلاطون الگوی بسیاری از آن‌ها بوده است، از توماس مور تا «هربرت جرج ولز» جزیره‌ای آرمانی که در تاریخ مقدس^۲ «ائوهمروس»^۳ وجود دارد (که در ۳۰۰ قبل از میلاد در اوج بود) و زندگی «پلوتارک»^۴ مبتنی بر قانون «لیکورگوس»^۵، شهر آرمانی اسپارت را توصیف می‌کنند. افسانه آتلانتیس^۶ الهام بخش بسیاری از افسانه‌ها شد. اما اکتشافات قرن پانزدهم زمینه‌های واقعی تری را مجاز شمرد و سر توماس مور در اثر خود-اتوپیا- «امریگو و سپوچی»^۷ را شریک نمود. دیگر آرمانشهرهای شبیه به تصویر انسان‌گرایی توماس مور، آرمانشهر «آنتونیو فرانچسکو موندی» در

1.H.G. Wells

2.the Sacred History

۳. ائوهمروس (Euhemerus) در قرن ۳ قبل از میلاد نخستین کسی بود که دست به تفسیر اسطوره زد. او در واقع پایه گذار بنیادهای تاریخی و واقعی برای داستان‌های اسطوره‌ای بود. او تعریفی کلاسیک از اسطوره بیان نموده و شخصیت‌های اسطوره‌ای را بر بنیادهای پدیده‌های تاریخی و واقعیت‌های اجتماعی قرار داد (دکتر بهار مختاریان، نشست اسطوره و نقد اسطوره‌ای در هنر و ادبیات، فرهنگستان هنر)؛ وی کتابی به نام نوشته‌های مقدس تدوین کرد و در آن چنین نوشت که خدایان نیروهای مختلف طبیعتند که بشر به آن‌ها شخصیت انسانی داده یا، به احتمال بیشتر قهرمانان انسانی هستند که مردم به خاطر خدمات آن‌ها نسبت به خود یا از روی تصور عمومی صورت‌هایی داده است [نگارنده].

۴. پلوتارک به یونانی Πλουτάρχος، تلفظ: (پلوتارخوس) (حدود ۴۶ - ۱۲۷ میلادی)؛ از تاریخ‌نگاران، زندگی‌نامه‌نویسان و مقاله‌نویسان یونان باستان بود. پدر پلوتارک اتوبولس بود. وی در یکی از خانواده‌های مهم شهر خروئه در مرکز یونان به دنیا آمد. بعدها در یونان و مصر به سیاحت پرداخته و چند صباحی در روم زیست و مورد عنایت تراژان واقع گشته و از جانب او به امارت شهری گماشته شد. پلوتارک سالهای آخر زندگی‌اش را در زادگاه خود که به رسوم و آداب و مردمانش دلبستگی فراوان داشت گذراند و در آنجا مدرسه‌ای گشود و حلقه درس داشت.

۵. لیکورگوس قانونگذار اسپارت. وی پس از مرگ برادر خود پلی دکت پادشاه اسپارتا فرمانروای شهر گشت. زن برادر او هنگام مرگ شوی آبستن بود و به لیکورگوس پیغام داد که حاضر است طفل خویش را هلاک سازد و سلطنت اسپارتا را بدو سپارد مشروط بدانکه لیکورگوس با وی مزاجت کند. لیکن لیکورگوس بدین امر تن نداد و چون برادرزاده اش تولد یافت، او را شاریلائوس یعنی «سرور ملت» نام نهاده و خود را نایب و قیم وی شمرد. پس از آن سفری به کرتا و مصر و آسیا کرد و چون در اسپارتا انقلابی روی داد مجدداً به وطن بازآمد و در ۸۸۴ به دستگیری شاریلائوس و سی تن از دوستان خویش به تغییر قوانین اسپارتا همت گماشت، لکن باز دچار مخالفت مردم گشت و روزی در میدان شهر جوانی موسوم به «آلکاندر» یک چشم او را کور کرد. پس از وضع قوانین جدید باز از وطن دوری گرفت و سرانجام چنانکه مورخین قدیم نگاشته اند در ممالک بیگانه از گرسنگی بمرد (ترجمه مدخل تمدن قدیم فوستل دکولانژ صص ۵۰۳-۵۰۴ در لغتنامه دهخدا)

6.The legend of Atlantis

۷. امریگو و سپوچی به ایتالیایی: (Amerigo Vespucci) کاشف و نقشه‌نگار ایتالیایی است که قاره غربی به نام او «آمریکا» نامیده می‌شود.

8. Francesco Patrizi

11. Tommaso Campanella

9.La città felice

12.New Atlantis

10. La città del sole

۱۳. شهر مسیحی (Christian polis) نوشته یوهان ولنتاین آندره در سال ۱۶۱۹ توصیف جزییات یک شهر آرمانی دانشمندان و صنعتگران است که از دید یک مسافر جوان و ساده بیان می‌شود.

14. Johann Valentin Andreae

۱۵. پوریتانیسم (Puritanism) یک حرکت اصلاحی مذهبی در اواخر قرن شانزدهم و قرن هفدهم میلادی است که به دنبال پاک کردن کلیسای انگلستان از بقایای کاتولیک رومی است.

آزادی (۱۶۵۲) که در آن «جرارد وینسنتلی»^۱ از اصول گروه «دیگرز»^۲ حمایت کرد. «جامعه اشتراکی اوشنا»^۳ ۱۶۵۶ نوشته «جیمز هرینگتون»^۴ در سال ۱۶۵۶ از توزیع زمین به عنوان شرطی برای استقلال عامه پسند حمایت نمود. در فرانسه کارهایی چون اثر «گابریل دی فوانی»^۵ به نام «جنوب زمین شناخته شده است»^۶ در سال ۱۶۷۶ آزادی را تشویق کرد. اثر «فرانسوا فنلون»^۷ به نام «تله ماک»^۸ شامل بخش هایی تخیلی بود که زندگی ساده را می ستود. بریتانیای جدید اثر «جی.آ.الیس»^۹ در سال ۱۸۲۰ و «سفری به ایکاریا» اثر «اتین کابه» (۱۸۴۰) درباره جوامعی آزمایشی در ایالات متحده بود که محدودیت های برنامه ریزی اقتصادی صرف را نشان می داد. در نتیجه «بولور-لیتون»^{۱۰} در اثر خود به نام «رقابت آینده»^{۱۱} در سال ۱۸۷۱ ماهیتی را خلق کرد که اقتصاد را کاملاً حذف می کرد، و «ویلیام موریس» در اثر خود در سال ۱۸۹۰، «اخبار از ناکجا آباد»^{۱۲}، نشان داد که اقتصاد را خوار می-شمرد. بسیاری از آرمانشهرهای طنزگونه هایی هستند که به جای ارائه راه حل های عملی برای شرایط موجود به تمسخر آن می پردازند. در این گروه آثای چون سفرهای گالیور نوشته سوئیفت (۱۷۲۶) و اروون نوشته ساموئل باتلر جای می گیرند. در قرن بیستم که امکان برنامه ریزی

جامعه قریب الوقوع گردید، تعدادی داستان های ضد آرمانشهری نوشته شد. در میان آن ها رمان های پاشنه آهنین اثر جک لندن (۱۹۰۷)، من (۱۹۲۴)، ما، (۱۹۲۵) نوشته «یوگنی زامیاتین»^{۱۳}، دنیای قشنگ نو نوشته «آلدوس هاکسلی»^{۱۴} و ۱۹۸۴ (هزار و نهصد و هشتاد و چهار) از «جرج اورول» (۱۹۴۹) به چشم می خورد. در این میان «داستان آرمانشهر» اثر «لوویس مامفورد» (۱۹۲۲) پژوهشی عالی است.

همزمان با ادبیات کوشش هایی نیز توسط گروه های مذهبی و اصلاحگران سیاسی برای استقرار جوامع آرمانی به ویژه در امریکا صورت پذیرفت. در دو قرن بین سال های ۱۶۶۳ (زمانی که برخی منونیت های هلندی اولین کلنی های کمونیستی را در جایی امروز لویس دلاویر خوانده می شود ایجاد کردند) و ۱۸۵۸، ساخت حدود ۱۳۸ سکونتگاه در امریکای شمالی آغاز شد. اولین اجتماعی که بیش از دوره زندگی موسس خود طول کشید، «فرقه فرات»^{۱۵} بود که در سال ۱۷۳۲ در پنسیلوانیا توسط پاک اندیشان های آلمانی بنیان گذاری شد.^{۱۶} دیگر سکونتگاه های پیهتیستی آلمانی توسط «جرج رپ»^{۱۷}، گروه آمانا (در لوا و جامعه متحد باورمندان به ظهور دوباره مسیح)^{۱۸} ایجاد شدند، (هارمونی در پنسیلوانیا، ذهارمونی در ایندیانا و اکونومی در پنسیلوانیا). برخی از آن ها ازدواج را نفی

1. Gerrard Winstanley

۲. گروه دیگرز (Diggers) یک گروه انگلیسی از کشاورزان کمونیست پروتستان بود که توسط جرارد وینسنتلی در سال ۱۶۴۹ پایه گذاری شد. افراد این گروه سعی می کردند که قوانین اجتماعی موجود را با یک شیوه زندگی کشاورزی-که مبتنی بر ایده های آن ها برای ایجاد جوامع روستای کوچک و برابر بود- تغییر دهند.

3. The Commonwealth of Oceana

4. James Harrington

5. Fogny

6. Terre australe connue

7. François Fénelon

8. Télémaque

9. G.A. Ellis

۱۶. پیهتیسم (Pietism) یک جنبش اصلاحی در کلیسای لوتری آلمان در قرن های هفدهم و هجدهم است که کوشید تا آرمان های فداکارانه مذهب پروتستان را تجدید کند.

17. George Rapp

۱۶. جامعه متحد باورمندان به ظهور دوباره مسیح (Shakers) یک فرقه مذهبی است و بر اساس تعلیمات آن لی (Ann Lee) بر مساله برابری و رد روابط جنسی تاکید می کرد و همین امر سبب کاهش تعداد افراد آن شد. این گروه امروزه با تعداد افراد کمی که باقی مانده اند بیشتر به دلیل همکاری های فرهنگی خود شناخته می شود.

10. Bulwer-Lytton

11. The Coming Race

12. News from Nowhere

13. Yevgeny Zamyatin

14. Aldous Huxley

15. Ephrata Community

او هدیه بی‌همتایی از نبوت یا فرزاندگی است. بیشتر این کلنی‌ها در طول دوره زندگی بنیانگذار اصلی خود شکوفا شدند و پس از مرگ وی به آرامی رو به زوال رفتند.

آرمان‌شهر از نگاه غرب

از نظر فلسفه یونانی روح جامعه عدل است. عدل یکی از چهار فضیلت شهر مطلوب افلاطونی است که در کنار سه فضیلت دیگر یعنی حکمت، شجاعت و خویشتن‌داری اهمیت دارد. عدالت در بین این چهار اهمیت بیشتری دارد. عدل حکم‌ها را در یک آرکستر را دارد. از نظر افلاطون شهر عادل همچون انسان عادل است و انسان عادل باید و می‌تواند بر خود حکومت کند. در چنین شهری در باطن شهر و در زوایای پنهان صلح و صفا ایجاد میشود و در آشکارا و در میان طبقات شهر هماهنگی. بیشتر متفکران و فلاسفه غربی، راه رسیدن به سعادت و صلح و امنیت را با تشکیل حکومت واحد جهانی، میسر دانسته‌اند. آنان معتقد بوده و هستند که با وحدت ملل مختلف و داشتن منافع مشترک برای همه مردم جهان، دلیلی برای جنگ و نزاع، باقی نمی‌ماند و جهان می‌تواند به جامعه آرمانی برسد. از جمله این فلاسفه می‌توان به این افراد، اشاره کرد:

شهر مراد افلاطون

در طول تاریخ، نگاه اندیشه‌وران به مدینه فاضله از دریچه‌ای خاص، براساس نابسامانی‌های جامعه خودشان بوده است. دیدگاه افلاطون عمدتاً سیاسی است. وی از این منظر، به نابسامانی‌ها می‌نگرد و بر همین اساس هم راه حل ارائه می‌دهد. او می‌نویسد:

می‌کنند. دیگر فرقه‌های مذهبی اشتراکی هنوز شکوفا هستند. در میان بزرگترینشان «هوتریت»^۱ها و عمدتاً در ایالات متحده و کانادا هستند، اما کلنی‌هایی نیز در پاراگوئه و انگلستان دارند. از اولین جوامع سکولار مجتمع نیوهارمونی است که در سال ۱۸۲۵ بنیان‌گذاری شد، یعنی زمانی که کارخانه دار بریتانیایی رابرت آون مجتمع نیوهارمونی در ایندیانا را از «ریت‌ها»^۲ خریداری کرد. نیوهارمونی بیش از آن که جامعه‌ای کمونیست باشد یک جامعه تعاونی بود. با وجود آن که این اجتماع از میان رفت ولی اولین مهد کودک، اولین مدرسه حرفه‌ای، اولین کتابخانه عمومی و اولین مدرسه دولتی تحت حمایت اجتماع در آمریکا را در خود داشت. ایکارین‌ها - پیروان اتین کابه- جوامع ناموفقی را در ایلینویز پیش‌تر توسط پیروان مکتب مورمون‌سیسم ایجاد شد، میسوری، ایووا و کالیفرنیا بنیان نهادند.

پس از جنگ داخلی آمریکا، شور و شوق برای تجربه‌های آرمانشهری سکولار رو به افول نهاد. برخی سکونتگاه‌های جدید در دهه ۱۸۹۰ در پی انتشار مقالاتی در رابطه با آرمانشهر مانند «جامعه تعاونی»^۳ اثر «لورنس گرونلند»^۴ و «نگاهی به گذشته»^۵ اثر بلامی ایجاد شدند، اما ضربه ناگهانی کار خود را کرده بود و جنبش‌های اخیر به زودی در برابر سوسیالیسم سیاسی گرد هم آمدند. خلق جوامع مذهبی آرمانی در قرن بیستم ادامه یافت، اما آن‌ها نیز معمولاً عمرشان کوتاه بود. مهاجرنشین‌های مذهبی، در تمام نمونه‌های خود، توسط یک شخصیت قدرتمند واحد ایجاد و اداره می‌شدند که مردانش باور داشتند که

۱. هوتریت‌ها (Hutterites) یک شاخه از آناباپتیست‌ها (Anabaptists) هستند که ریشه آن‌ها به اصلاحات رادیکال قرن شانزدهم به رهبری مارتین لوتر باز می‌گردد. از باورهای آن‌ها می‌تواند به جامعه‌ای سرشار از نیکی و صلح کامل اشاره نمود. جامعه هوتریت‌ها که مهاجرنشین نامیده می‌شوند، همه روستایی هستند و درآمد بسیاری از آن‌ها بسته به موقعیتشان متکی بر کشاورزی و دامداری است. هر روزه تعداد بیشتر و بیشتری از این کلنی‌ها به دلیل دشوار بودن زندگی بر پایه‌ی کشاورزی به تولید رو می‌آورند. این کلنی‌ها در ساخت خانه، تعمیر و نگهداری تجهیزات و درست کردن لباس خودکفا هستند.
۲. جامعه هارمونی توسط «یوهان گنورگ رپ» (Johann Georg Rapp) و پسرخوانده وی فردریک رپ (۱۷۷۵-۱۸۳۴) بنیانگذاری و رهبری شد، و برای ۱۰۰ سال - تقریباً از ۱۸۰۵ تا ۱۹۰۵ - پای برجا ماند. اعضای این جامعه گاه هارمونیت، هارمونیت یا رپیت نامیده می‌شدند.

1. The Cooperative Commonwealth
2. Laurence Gronlund

3. Looking Backward

«زاممداران عموماً به وسیله یک نوع جنون غیرطبیعی حکومت کرده‌اند. این جنون چیزی نیست که کسی بتواند آن را تعلیم دهد یا تعلیم گیرد؛ یعنی این جنون علم نیست، پس حکومت زمامداران بر اساس صحیح و علمی و بر پایه فلسفی نیست. لذا زمامداران نمی‌توانند حکومت خوب به وجود بیاورند» (پازارگاد، ۱۳۵۹، ص ۷۹).

افلاطون مشکل جامعه زمان خودش را کنار نهادن فلاسفه دانسته، معتقد است: «در این نظام صاحبان قدرت از حکمت و فضیلت به دور هستند، فلذا به تدریج دچار حرص و فزون‌خواهی و تکاثر اموال می‌گردند». حکومت دموکراسی هم در نظر افلاطون، یکی از منفورترین حکومت‌هاست؛ چراکه مردم در حالی بر سرنوشته خود مسلط هستند که قدرت اندیشه و قضاوت صحیح را ندارند. حکام هم به دلیل خوشامد آنان سعی خواهند کرد احکامی صادر کنند که خوشایند مردم باشد. این امر در نهایت به فروپاشی جامعه می‌انجامد. سایر نظام‌ها هم اشکالات خود را دارند؛ نظام الیگارشی یا حکومت ثروتمندان، حکومت اقلیت بوده و انتهایش از هم پاشیدگی اجتماع است. در نهایت، هم نظام ستمگری، ظالمانه‌ترین نوع نظامی بود که می‌توانست حاکم باشد (پازارگاد، ۱۳۵۹، ص ۴۷۸ و صص ۴۸۸-۴۹۳). با توجه به این نظام‌ها و انتقادات سخت وی بر هر یک از این نظام‌ها، راهبرد وی در مدینه فاضله‌اش انسان‌مدار نیست، بلکه حالتی فلسفی دارد و او را درصدد حل یک معضل فلسفی نشان می‌دهد. افلاطون از یک سو، در نظریه «مُثل» خود به این نتیجه می‌رسد که حقیقت، لزوماً دارای ویژگی ثبات و کلیت است. بر این اساس، از بی‌ثباتی وضع سیاست‌های موجود به این نتیجه کاملاً معقول می‌رسید که نظام‌های موجود، نمی‌توانند نظام سیاسی ایده‌آل بوده و جامعه تحت سلطه خویش را به سامان و صلاح راهنمون کنند. بنابراین، باید دنبال یک نظام سیاسی باثبات بود. افلاطون این نظام باثبات را در جامعه‌ای می‌بیند که فرمانروایش کسی باشد که به مقام درک حقایق

(مُثل) رسیده است؛ چراکه او به واسطه اتصال با عالم حقیقت، مصالح مردم را بهتر از خودشان تشخیص می‌دهد و تصمیم او به حقیقت نزدیک‌تر است. پس، مشکلات جوامع زمانی به پایان می‌رسد که فیلسوفان (فلاسفه حقیقی)، به مقام شهریاری برسند یا شهریاران فیلسوف باشند:

«...بلکه به عقیده من مفسد نوع بشر، هرگز نقصان نخواهند یافت، مگر آنکه در شهرها، فلاسفه پادشاه شوند، یا آنان که هم‌اکنون عنوان پادشاهی و سلطنت دارند، به راستی و جداً در سلک فلاسفه درآیند و نیروی سیاسی با حکمت توأم در فرد واحد جمع شود» (افلاطون، ۱۳۶۰، ص ۵۴۵؛ مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۴۹-۵۰).

از جمله امتیازاتی که افلاطون برای فلسفه حقیقی برشمرده، این است: رغبت برای شناخت همه واقعیت‌های اصیل؛ عداوت و خصومت با دروغ و محبت حقیقی به صدق و خلوص؛ پست شمردن لذات جسمی؛ بی‌اعتنایی به مال و ثروت؛ علو ادراکات و آزادی اندیشه؛ عدالت و اخلاق لطیف؛ سرعت انتقال در خاطرات و قدرت یادآوری محفوظات و فطرت منظم و قانونی (گادامر، ۱۳۸۲، ص ۸۰ و افلاطون، ۱۳۶۰، ص ۵۴۶).

بافت «شهر مراد» او را جامعه‌ای طبقاتی تشکیل می‌دهد. در رأس این جامعه، طبقه حاکم قرار دارد که طبقه بافضیلت‌تر و به یک معنی اشراف جامعه است که تفاوت جوهری با سایر طبقات دارد. وی دروغ‌گویی را برای رهبران جامعه جایز می‌داند. البته دروغ مثل دارو است که تجویز آن باید با حکم پزشک باشد: «اگر دروغ گفتن برای کسی مجاز باشد، فقط برای زمامداران شهر است که هر وقت صلاح شهر ایجاب کند، خواه دشمن و خواه اهل شهر را فریب دهد» (افلاطون، ۱۳۶۰، ص ۱۵۲). افلاطون کمال مطلوب را از نظر فردی، در عدل و از نظر اجتماعی، در حکومت فلاسفه می‌داند. البته تحقق چنین جامعه‌ای، همانند مُثل او جنبه تخیلی دارد. خود او هم به رؤیایی بودن چنین جامعه‌ای اعتراف می‌کند.

برای وی اساساً مهم نیست که چنین جامعه‌ای به وجود آید یا نه (افلاطون، ۱۹۸۰م، ص ۵۴۸ و ۱۳۶۰، ص ۳۱۴). البته افلاطون، از آرمان‌های دیگری چون آرمان عدالت و اعتدال در مدینه فاضله سخن می‌گوید. اما رویکرد این مباحث فلسفی و سیاسی است. اعتدال مدینه عبارت است از: تبعیت لازم و مقتضی فرمانبرداران از فرمانروایان. عدالت مدینه در این است که هرکس، بدون دخالت در کار دیگران، مواظب و متوجه کار خود باشد... مدینه وقتی عادل است که تمام طبقات و افرادی که طبقات از آنها ترکیب و تألیف شده است، وظائف مربوط به خود را به طریقی شایسته و صحیح انجام دهند (کاپلستون، ۱۳۷۵، ص ۳۱۳). افلاطون نیز به طور کلی اساس نظام مدینه فاضله را بر تفاوت سرشت و گوهر انسان‌ها نهاده و بر این باور است که عده‌ای از مردم در طبیعت خویش فرودست آفریده شده‌اند و جنس وجودی آنها از آهن و برنج است. دسته دیگر، که سرشت آنان از طلا و نقره وجود یافته، شایسته سروری و فرمانروایی هستند. صلاح فرودستان بندگی و فرمانبری از بالادستان است. وی سه طبقه برای مردم قایل است که عبارت‌اند از: پیشه‌وران، سپاهیان و سیاستمداران. وی ارزش طبقاتی آنان را به ترتیب به آهن، نقره و طلا تشبیه می‌کند و گروه سوم را دارای استعداد طلایی و لایق تربیت معرفی کرده، می‌نویسد:

«مأموران، فرزندان افراد نخبه شهر را به پرورشگاه برده، به پرستارانی که در محله‌ای جدا، در شهر اقامت خواهند داشت، می‌سپارند. ولی اطفال افراد پست و آنهایی را که با نوعی نقص به دنیا آمده‌اند، در محلی مخفی و دور از انظار پنهان خواهند کرد» (همان، ۱۹۸۰، ص ۲۰۲ و ۳۱۵-۳۱۶).

ارسطو

این نوع نگرش، در تمام تاریخ تمدن یونان باستان به چشم می‌خورد؛ ارسطو نیز آرمان شهر خود را با یک نوع قرائت فلسفی-سیاسی بیان می‌کند. وی در ابتدا تأسیس نظام سیاسی را در جهت رفع نابسامانی‌ها

دانسته، می‌گوید: «هدف جامعه سیاسی نه تنها زیستن بلکه به زیستن است» (ارسطو، ۱۳۵۸، ص ۱۲۳). ارسطو، محور و غایت جامعه سیاسی را سعادت انسان می‌داند. وی سعادت را در به‌کارگیری فضیلت دانسته و فضیلت را در دانایی و اعتدال جست‌وجو می‌کند. بنابراین، از نظر وی جامعه سیاسی مطلوب، جامعه‌ای است که در رأس هرم آن، کسی باشد که از دانایی و فضیلت بیشتری برخوردار است. البته چون دانایی تنها ملاک فضیلت نیست، بلکه اعتدال نیز از مهم‌ترین شاخصه‌های اصلی است، ارسطو ضابطه و دستورالعمل مطلق در ارتباط با بهترین شیوه زندگی و نظام سیاسی جامعه ارائه نمی‌دهد، بلکه ترجیح می‌دهد ضابطه‌ای قابل انطباق با شرایط گوناگون، پیش روی ما قرار دهد. از این روی می‌گوید:

«معیار ما، در تعیین بهترین سازمان حکومت... آن‌چنان روش زندگی و حکومتی است که بیشتر مردمان و کشورها را آسان‌یاب و پذیرفتنی باشد... سعادت راستین در زیستن بافضیلت، فارغ از هر قید و بندی است و فضیلت هم در میانه‌روی است. از اینجا برمی‌آید بهترین گونه زندگی، آن است که بر پایه میانه‌روی و در حدی باشد که همه کس بتواند به آن برسد» (ارسطو، ۱۳۵۸، صص ۱۷۸-۱۷۹).

با دقت و تأمل در نظرات افلاطون و ارسطو به این نتیجه رهنمون می‌شویم که در هیچ یک از این دو دیدگاه، ردپایی از تفکرات جدید انسان مدارانه قرون جدید به چشم نمی‌خورد. قرینه دیگر مؤید این مدعا، پذیرش برده‌داری از جانب این هر دو فیلسوف است. ارسطو رسماً در بخش‌هایی از کتاب سیاست خود به بحث برده‌داری می‌پردازد (ارسطو، ۱۳۵۸، بخش ۲، ص ۷-۱۶).

توماس مور (۱۴۷۸-۱۵۳۵م)

وی فیلسوف، سیاستمدار و حقوقدان انگلیسی است که از پیشگامان نظریه آرمان شهری در غرب است. مور، در رساله ادبی خود به نام «آرمان شهر»، به توصیف جزیره‌ای آرمانی و امن پرداخته که همه ساکنان این جزیره که در ۵۴ شهر بزرگ و زیبا

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

زندگی می کنند، دارای زبان و قوانین و آداب و رسوم مشترک هستند. توزیع منابع در همه شهرها یکسان است، مالکیت خصوصی از میان رفته است، فقر و فلاکت، از جامعه رخت بر بسته و پیروان همه ادیان مختلف، در کنار یکدیگر، بدون هیچ تعصبی در صلح و آرامش زندگی می کنند.

آناکارسیس کلوئس

وی در آغاز انقلاب فرانسه، خود را سخنگوی بشر خواند و نقشه رسیدن به جامعه آرمانی را مطرح کرد. او معتقد بود که آمیزش همه ملت های جهان با یکدیگر و تشکیل «ملت واحد»، راهی است به سوی سعادت آرمانی.

توماس کامپانلا

وی که نمونه بارز نظریه پرداز آرمان شهر است، در کتاب «شهر آفتاب» خود، معتقد است که بشر، از طریق اصلاح نژاد، با روش پیشگیری از به دنیا آمدن افراد شرور مادرزاد و تشکیل ملت واحد و رسیدن به وحدت سیاسی، به جامعه آرمانی دست می یابد.

فرانسیس بیکن (۱۵۶۱-۱۶۲۶م)

وی بزرگ ترین فیلسوف و متفکر انگلیسی، بین قرن شانزده و هفده میلادی است که خواهان اصلاح زندگی از طریق گسترش علم و دانش و پرهیز از خرافات بود. وی عقل و حکمت و دین را امری لازم برای پیشرفت زندگی بشر می دانست و در کتاب «آتلانتیس نوین»، از آرمان شهری سخن گفته که در آن، عدالت و تقوا حاکم است. این فیلسوف، اعتقاد داشت که عدالت و پارسایی و دانش و حکمت و سلطه یافتن انسان بر طبیعت، امکان رسیدن به سعادت و خوش بختی را برای همگان فراهم می کند.

فرانسیس فوکویاما

از فلاسفه سیاسی قرن حاضر در آمریکا است. وی در نظریه خود، ادعا کرده که لیبرال دموکراسی، آخرین و بهترین شکل دولت برای همه ملل جهان است و جهانی شدن این حکومت، پایان تاریخ بشر خواهد بود. نظریه پرداز «پایان تاریخ» معتقد است که به دلیل فقدان جایگزین های معتبر، پس از شکست

کمونیسم، نظام لیبرال دموکراسی، صورت نهایی و عام تاریخ بشر خواهد بود. وی مدعی است که نظام دموکراسی لیبرال، هر چند دارای مشکلات و نقصان است، بر دیگر نظام های سیاسی جهان، برتری خواهد یافت. به اعتقاد او، ملت ها، به دلیل تفاوت فرهنگ در حوزه زبان و دین و قومیت، در مقابل این نوع حکومت، مقاومت خواهند کرد؛ اما سرانجام، آن را خواهند پذیرفت. نظریه فوکویاما از طرف برخی جنبش های فکری، از جمله روشن فکران مسلمان، مردود شمرده شد. وی پس از واقعه یازده سپتامبر، مجبور شد در نظریه خود تجدید نظر کند. او به ضعف الگوی مورد نظر خود، اعتراف کرد؛ اما با وجود این، همه گونه های دیگر حکومت در جهان معاصر را ارتجاعی خواند.

فیلسوفان نوامید

اما در مقابل نظر این اندیشمندان، برخی از صاحب نظران، از دستیابی به جهانی آرمانی، مایوس هستند. «گرت جونز»، در کتاب خود می نویسد: «هیچ گاه به جهانی دست نخواهیم یافت که بیماری، پیری و مرگ از آن رخت بر بسته باشد، یا در آن، زلزله و بلاهای طبیعی نباشد... هر کسی که از ناکجاآبادی سخن بگوید که در آن، همه چیز در گلشن دوست داشتنی است، فقط رؤیا می پرورد».

آرمانشهر در شرق

این نظریات در شبه علم پیچیده هندسه شکوفا گردید که بر اساس آن جریان محلی، پهنه کیهان را که متأثر از پستی و بلندی، در بهینه های آب، جهات اصلی و خطوط پنهانی در زمین می باشد را مورد بررسی قرار می دهد. این علم به توصیه هایی در مورد مکان های مناسب برای شهرها، آرامگاهها و بناهای مهم پرداخته اند و روشهای بهبود و ارتقاء مکان ها را نیز از طریق نمادها، حفاری و درختکاری ارائه می نماید تا این گونه جریانهای مطلوب را به داخل هدایت کرده و جریانهای نامساعد را مسدود کرده تا به طرف دیگر منحرف سازد (لینچ، ۱۳۷۵، ص ۹۵). نظریه پردازان هندی کمتر بر شکل گیری

واقعی شهر تأثیر داشته اند، لیکن در برقراری پیوند بین خدایان، انسان ها، رسومات و طرحهای شهری دارای صراحت بیشتری بودند، چنانچه مطالبی در ارتباط با شهرسازی تحت عنوان اسلیپا ساستراس در اختیار داشتند که نشان می داد چگونه باید زمینی را قلعه بندی کرده و نیروهای شیطانی بی نظمی را محاصره کرده و در کنترل درآورد.

۱- «ماندالا»: ماندالایکی از اشکال متداول ماندالا بود که از تعدادی حلقه های بسته، که هر کدام به مربع هایی تقسیم می شد و مهمترین نقطه آن مرکز بود، تشکیل می شد. محصور بودن و حفاظت، تقدیس را مورد تأکید قرار می دهد و حرکت های کلیدی یا از خارج به داخل هستند و یا این که باید مکان مقدس را در جهت حرکت عقربه های ساعت دور زد. با انجام این کار زمین تقدس می یابد و برای اسکان امن می گردد. مراسم سالیانه مذهبی همان مسیره های حلقوی را طی کرده و ساکنین نیز شهر را در ذهن خود به همان منوال می سازند.

۲- واستو- پرسوا (واحد مسکونی روح مکان): ماندالاها بخشی سترگ از تئوری شهرسازی هندی هستند که مدل طرح شهر آرمانی بشمار می روند، چنانچه در اندیشه هندی که بعدها به چین نیز رسوخ می کند، پرسوا- دمون در داخل مربع هایی قرار گرفته که هریک متعلق به خدایی است، برهما به مربع مرکزی اختصاص دارد و اطراف آن آدینتیاس است که درون آن نیز ۳۲ پادا- دیواتاس قرار گرفته است (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۹۸). مدل کیهانی، مدعی وجود شهر آرمانی بلورین است: شهری باثبات و متکی بر سلسله مراتب. یعنی یک میکروکوزم جادویی که در آن هر بخش در داخل یک کل کاملاً منظم تلفیق می شود. در صورتی تغییری در آن اتفاق افتد، میکروکوزم نیز بصورت ریتمیک، منظم و دوره های کاملاً ثابت تغییر می یابد (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۱۰۲). ولواهنسن توضیح می دهد که نام اطلاق شده به این شکل های کیهانی ماندالا است که در واقع فرمی است که وجود و دنیای پدیده ها تابع آن هستند.

وستا- پروستا تصویری از قوانین حاکم بر جهان است که انسان مانند زمینی که بر روی آن می زید، مقهور آن می باشد انسان با فعالیتهای ساختمانی خود همانگونه به محیط اطراف خویش نظم می دهد که روزگاری برهما، پروستای ناشناخته را در آن شکل هندسی خاص به نظم درآورد. ساختن، خود تطابق وجود نامنظم با قوانین حاکم بر جهان است. این امر تنها از طریق پیروی کامل طرح وستا- پروستای ماندالا، در ایجاد هر بنایی از گوشه خلوت یک راهب تا شکل شهر میسر می گردد.

آرمانشهر در ایران باستان

اندیشه آرمانشهری در ایران باستان در دو مرحله قابل بررسی است:

- ۱- آرمانشهرهایی که در اساطیر دینی زردشتی اشاره شده است؛ و
- ۲- در مرحله تاریخی که می توان به کتب و نوشته های ایرانیان ارجاع داد، مانند هفت پیکر نظامی و شاهنامه فردوسی که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

آرمان شهر در ایران باستان

۱. «گنگ دژ»: گنگ دژ را سیاوش پسر کاووس در خاور سرزمین توران ساخت که شهری مینوی بود که نخست در آسمان بر سر دیوان روان بود (بهار، ۱۳۵۷، ص ۴۱)، آنگاه کیخسرو آن را به زمین آورد و در محل سیاوشگرد، استوارش ساخت. گنگ دژ دارای هفت دیوار از سنگ، پولاد، آبگینه، سیم، زر، گوهر و یا یاقوت است. کوشک آن، یمین و کنگره اش، زرین است. در آن چهار کوه و هفت رود هست و هفت مرغ از شهر پاسداری می کنند. در شاهنامه فردوسی از دو شهر گنگ دژ و سیاوشگرد یاد شده و این دو شهر در اساطیر ایرانی بر هم منطبق بوده است. برخلاف گنگ دژ منابع زردشتی که پاسداری آن به هفت مرغ سپرده است، گنگ دژ شاهنامه از دیدگاه طبیعی تسخیرنشده است و تنها راه آن به جهان بیرون تنگه ای است به-درازای دو فرسنگ که از آنجا پنج مرد می توانند راه را بر صد هزار



مرد جنگی ببندند، این موقعیت دفاعی به موقعیت یوتوپای تامس مور شبیه است که در وصف جزیره آرمانی تامس مور آمده است: طبیعت و فن از ساحل، چنان دژی ساخته اند که گروهی اندک از آنجا می توانند تاخت و تاز نیرویی بزرگ را پس زنند (مور، ۱۳۶۱، ص ۶۸).

۲. «کاخ افراسیاب»: در بندهش از دژی پوشیده به آهن که افراسیاب در زیرزمین ساخت یاد شده است و گفته شده که دژ افراسیاب در بخ گیر یا کوه خدایان و در زیرزمین بود. کاخ به بالای هزار مرد بلند و بر صد ستون استوار بود. چنان روشن که شب آن چون روز می نمود. چهار رود از آن می گذشت که در یکی شراب، در یکی ماست و در یکی آب روان بود (کریستین، ۱۳۵۵، ص ۱۳۰).

۳. «کاخ کیکاووس»: کیکاووس دومین پادشاه کیانی در البرز کوه هفت کاخ برآورد که نمونه بهشت این جهانی بود. باروبند آن به کنگ دژ می ماند و شهر هگمتانه پایتخت پادشاهان ماد را به یاد می آورد. به روایت سوتکرنسک کیکاووس در البرز هفت کاخ برآورد. یک کاخ از زر دو کاخ از سیم، دو کاخ از پولاد و دو کاخ از بلور (کریستین، ۱۳۵۵، ص ۱۱۲).

۴. «ور جمکرد»: دژ ساخته جم بود که جمشید به فرمان اهورامزدا ساخت تا مردمان را از گزند سرمای اهریمنی در امان دارد. این دژ یادآور سرزمین مینوی اراتویچ در ذهن ایرانی است که تصویری از عصر زرین است که آدمی را سرخوش از مهر یزدان و لطف طبیعی نشان می دهد (دوستخواه، ۱۳۶۷، ص ۶۶۵). در ادبیات عرب و ایران، پادشاهان ایران باستان بویژه دوره ساسانی نمونه فرزائگی دادگری و خردورزی سیاسی اند. توصیف پادشاهی بهرام پنجم و خسرو اول انوشیروان در هفت پیکر نظامی گنجوی و شاهنامه فردوسی عصر آنان را بصورت عصر زرین مجسم می کند. عصر بهرام پنجم (بهرام گور). در هفت پیکر نظامی آمده است که بهرام با همه دلیری و جنگاوری، مردی مهربان و خدا ترس بود. زمان، قحطی ای بر ایرانشهر سایه افکند و کشور را

چهار سال به کام خود کشید.

سالی از دانه بر نرستن شاخ

تنگ شد دانه بر جهان فراخ

بهرام دستور داد تا در انبارها بگشایند و همه دانه و گندم را به مردم بدهند و افزون بر آن، از بیرون کشور نیز دانه و گندم آورد و مردم برستند. خداوند به پاداش اندیشه پاک وی، چهار سال مرگ را از ایرانشهر دور کرد. شهرها چنان گسترش یافت که از اسپهان تا ری را می شد بام به بام پیمود (نظامی گنجوی، بی تا، ص ۱۰۷-۱۰۴). مزدک با شعار برابری و مساوات، نوعی اندیشه آرمانشهری آورد. او از جامعه طبقاتی ساسانی برخاست و آیین خود را که آمیزه ای از جهان بینی زردشتی و باورهای پارسایانه و برابرخواهانه خود وی بود، تبلیغ کرد و هیچ پدیده ای را که میان مردم کینه و ناسازگاری بیافریند، بر نمی تافت. از این رو نابرابری را ریشه نابسامانی اجتماعی و کینه ورزی مردم به یکدیگر دانست و اعلام کرد که خداوند وسایل زیستن را در دسترس همه نهاده تا به برابری از آن برخوردار شوند (کریستین، ۱۳۶۷، ص ۳۳۹-۳۸۶).

آرمان شهر از دیدگاه مسلمین

فارابی، اولین متفکر مسلمان است که با تلفیق نظریات ایرانیان باستان و افلاطون و ارسطو و آموزه های اسلام، به تفصیل، به موضوع مدینه فاضله پرداخته است. اساس و زیربنای مدینه فاضله فارابی، پرداختن به امور معنوی، عدالت خواهی، پرهیز از همه بدی ها و خصوصاً ظلم است. رئیس مدینه فاضله وی، شخصی عالم به همه علوم و معارف و حقایق است که راه های سعادت را از طریق وحی و الهام و عقل، درمی یابد و با ایجاد وحدت بین مردم و رفع بدی ها، آنان را به سعادت حقیقی در دنیا و آخرت می رساند. در آرمان شهر فارابی، همه صاحبان حرفه ها، تحت ریاست عالم ترین فرد آن حرفه قرار می گیرند و متصدی هر کاری باید شایستگی و توان انجام دادن آن کار را داشته باشد. اصولاً در تفکر اسلامی، سعادت جامعه توحیدی، در گرو برپایی عدالت و نابودی ظلم

و فساد است و در این اسلام، آراسته بودن مردم به زیور علم و تقوا، موجب رستگاری آنها در دو جهان می شود. در اسلام، محور وجود، «انسان کامل» است که خلیفه الله (جانشین خداوند) است؛ یعنی شأن و منزلت انسان کامل، در این مقام، با شأن و منزلت خداوند، یکی است. در بینش مسلمانان (خصوصاً شیعیان)، بنیان گذار جامعه آرمانی اسلام، امام مهدی (ع) یا آخرین امام از خاندان پیامبر (ص) است که اکنون غایب است. وی با اراده و کمک خداوند، آشکار می شود و قیام می کند و ستم و جهل و فقر را از جهان، ریشه کن می سازد و با گسترش آگاهی و عدالت، حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد و با رفع فقر و تبعیض و دیگر موانع تعلیم و تربیت و تعالی و توسعه، زمینه را برای رسیدن جهانیان به سعادت حقیقی، فراهم خواهد ساخت. پیامبر (ص) در حدیثی می فرماید: «خُلفا و جانشینان من، بعد از من، دوازده نفرند که اول آنها علی و آخر آنها فرزندانم مهدی است. وی زمین را با نور خداوند، روشن خواهد کرد و حکومت او در تمام زمین، در شرق و غرب، گسترش خواهد یافت». امام علی (ع) در «نهج البلاغه» در توصیف روزگار مهدی (ع) و مردمان شهر موعود اسلام می گوید: «هر صبح و شام، جام حکمت می نوشند» بدین معنا که آرمان شهر اسلام، شهر عقل و آگاهی است.

ابونصر فارابی

در متن های دینی و اساطیری ایران باستان و در ادبیات پارسی آنجا که به ایران باستان پرداخته شده، از جامعه آرمانی این جهانی بسیار یاد شده است. در این بررسی، آنچه ما می جوییم، اندیشه آرمانی است، زیرا چنین اندیشه ای پژواک آرزوهای نیاکان ما برای دست یابی به کمال و رستگاری بوده است. در اوج درخشش فرهنگ اسلامی، ابونصر فارابی، حکیمی فرزانه از خاور ایران، اندیشه شهر آرمانی را در کتاب خود به نام «اندیشه های اهل مدینه فاضله» مطرح ساخت و جامعه آرمانی بر پایه اندیشه فلسفی و در قالب مفاهیم شریعت اسلامی

پی افکند. صفت «فاضله» گویای آرمان حکیم در جستجوی جامعه کمال مطلوب بود. مدینه فاضله در اندیشه فارابی، از معموره زمین آغاز می شود و در کوچکترین حد خود، به شهر اطلاق می گردد. چنین نگرشی، افزون بر اینکه از مفهوم اسلامی «درالاسلام» سرچشمه می گیرد، بسی فراتر از محدوده جغرافیایی ملت هاست. دریافت فارابی از جامعه کامل، جامعه ای بزرگ است که ملتهای بسیار را در بر گرفته و چنانچه رهبری آرمانی زمام را به دست گیرد «مدینه فاضله» در محدوده آن تحقق خواهد یافت. مدینه فاضله فارابی، جامعه ایست کاملاً روحانی که تصور جزئیات آن بسی دشوار است. با این که بحث وی گسترده و مفصل است، اما همه جا به کلی گویی بسنده می کند و به روابط ملموس سیاسی و اجتماعی نمی پردازد. جامعه مدنی (اجتماع مدنی) برای نظام طبقاتی مدینه فاضله، آگاهی اجمالی به دستگاه فلسفی فارابی ضرورت دارد. زیرا ساختار شهر آرمانی وی پژواک ذهن و برداشت عقلانی وی از نظام کائنات است. در دستگاه فلسفی فارابی، همه کائنات از فیضان وجود نخست یا ذات پروردگار پدید آمده است و موجودهای عالم در نظامی متنازل قرار گرفته اند. بدین ترتیب که پس از موجود نخست که مبداء المبادی است، سلسله مراتب موجودهای عالم به ترتیب «الانقص فالانقص» از کمال به نقصان سیر می کند تا به مرحله ای می رسند که گامی فروتر از آن نیستی محض است. از این رو در شهر آرمانی فارابی، خیر افضل (سعادت آدمی و نیکی برین) تنها در اجتماع مدنی به دست می آید نه در اجتماعی که از آن کمتر یا ناقص باشد و انسانها به حکم سرشت و برای رسیدن به کمال، نیازمند همکاری و تشکیل اجتماعند، نیازهای آدمی چنان متنوع و فراوان است که هیچ کس به تنهایی نمی تواند همه آنها را برآورده سازد. این اجتماع و تقسیم کاری اجتماعی است که همه افراد را در دستیابی به خواسته هایشان کامیاب می سازد. بنابراین جامعه مدنی محصول تقسیم کار اجتماعی است و تنها در جامعه ای که انسان به کمال

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۴۷

و سعادت‌ی درخور آن است، دست می‌یابد. فارابی و ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی به پایگاه فرد در اجتماع بر حسب سرشت و استعداد او نظر دارند و بر این باورند که اگر فرد در جامعه به کاری که طبیعت او اقتضا دارد و هر کس بر حسب سرشت و شایستگی ذاتی خویش به کاری بپردازد و سلسله مراتب اجتماعی و سیاسی بر حسب شایستگی افراد تشکیل شود مدینه فاضله در زمین تحقق پیدا می‌کند.

آرمان آرمانشهرها و چالشهای معاصر

قبل از پیدایش رنسانس فکری در غرب، اندیشمندان، به ترسیم شهری پرداخته بودند که به آن، «مدینه فاضله» گفته می‌شد. به احتمال زیاد، اولین بار، افلاطون در کتاب «جمهور» خود به طرح آن پرداخت. وی با تجزیه و تحلیل قوای درونی انسان، طرحی را ارائه می‌دهد که در آن، سعادت جامعه از همان طریقی حاصل می‌شود که سعادت فرد به دست می‌آید. بدین وسیله، با الهام از نیروهای درونی انسان (عقل، غضب و شهوت) که در حالت عدم افراط و تفریط، هر کدام به عدالت منتهی می‌شود، به طراحی «شهر آرمانی» پرداخت. این «مدینه فاضله» با مختصاتی که از نهاد پاک آدمی الگو می‌گیرد، بنا نهاده شد. سپس فارابی در دو کتاب «سیاست مدینه» و «آراء أهل المدینة الفاضلة»، با الهام از نظرات افلاطون، شهری ایده‌آل طراحی کرد که در رأس آن، رئیس فرزانه‌ای حکمرانی می‌کند. او وقتی ویژگی‌های این رئیس را باز می‌گوید، همان پیامبر یا امامی را به تصویر می‌کشد که نمود حقیقی یک «انسان کامل» است. فارابی، مدینه‌های را روبه روی ما به نمایش می‌گذارد که می‌تواند همان «آرمان شهر شیعی» یا «شهر آرمانی شیعیان در آخر الزمان» باشد. مزلو، روان شناس مشهور امریکایی، آرمان شهر دور از دسترس را که «اپسایکیا» می‌نامید، جایی می‌داند که در آن، اشخاص سالم و خودشکوفای، در هماهنگی کامل به سر می‌برند و با هم، به کار و زندگی مشغول‌اند. اپسایکیا، فرهنگی سالم، آزاد و محبت‌آمیز دارد که در آن، همه مردم

و حتی جوانان، بیش از معمول، از آزادی برخوردارند. آرزو، محترم شمرده می‌شود و مردم، کمتر مزاحم یکدیگر هستند و عقاید، کمتر سرکوب می‌شود. در این مدینه فاضله، تلاش برای ترکیب وجوه خداگونه ماهیت انسان و تجلی انسانیت بعد وجود او، صورت می‌پذیرد تا چیزی به فعلیت درآید که مزلو آن را «وجود ذاتاً نیک انسان» تلقی می‌کند. به عقیده مزلو، اپسایکیا، محیطی است که در آن، انسان به طور کامل، همان چیزی خواهد شد که واقعاً هست. بشر، از ابتدای خلقت تاکنون، نشان داده است که در تمام جنبه‌های حیات، در حال رشد و تعالی است و برای رسیدن به آن، دست به هرکاری می‌زند. با مرور تاریخ، متوجه می‌شویم که در این رهگذر، به خاطر بروز برخی انحرافات - که این جا محل بحث آن نیست - انسان از حقیقت ناب به دور مانده است و به جای پرداختن به ماهیت و هدف خلقت خود - که درک آن، با کمک گرفتن از آموزه‌های اصیل دینی، ممکن می‌شود - به عقل و سلسله نفسانیات خود تکیه کرده و روز به روز از مدار حقیقی خلقت، دورتر افتاده است. چنین انسانی، با جدا شدن از این منابع واقعی، به اختراعات و اکتشافاتی پرداخت که هرچند ریشه در ماهیت و سرشت انسانی داشت، اما در مسیری درست، به دست نیامده بود. بشر، خواهان بهشت موعودی است که به زیبایی در کتاب‌های آسمانی و از جمله قرآن، ترسیم شده است و به خاطر عدم توجه به ابزار درست رسیدن به آن، به خلق مفاهیمی روی آورد که روح عطشناک وی را ارضا کند. لذا می‌توان گفت که بهشت خیالی پرداخته ذهن ناقص بشر، نسخه‌ای ناقص از همان بهشت موعودی است که خداوند در قرآن و معصومان (ع) در احادیث خود، وعده آن را داده‌اند؛ اما چون از روی مبانی درست و با شناخت راستین از ماهیت جهان و انسان شکل نگرفته، به خیالپردازی و سراسرایی انجامیده است.

آرمان شهر شیعی و آرمان شهر مهدوی

آرمان شهر شیعی، نه خیال پردازی است و نه یک سلسله نظریه پردازی های بی پایه و اساس؛ بلکه گزارشی راست از تحقق یک پدیده واقعی در آینده است که ریشه در وحی و متون دینی دارد و آرزوی آن، در نهاد هر موجود پاک و بی آلیش می جوشد. انسانهایی به امید آن زندهاند و آرمان کسانی بوده است که در وهله اول، درون خود را از زنگار پلشتیها زدودند و آن را چون اینهای صاف، صیقل دادند و در وهله بعد، قدم در راه اصلاح جامعه و جهان نهادند تا مقدمه ای برای بروز آن «جهان شهر» آرمانی و پاک بی بدیل باشد.

مفاد "هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ" (سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۹) وعده تخلف ناپذیر الهی است؛ یعنی دین مرضی او بر همه ادیان فائق می شود و ظفرمندان بر عالم و آدم فروغ توحید می افکند، به گونه ای که فرزندان آدم دینی جز دین واحد نداشته باشند؛ همان دینی که پسند او باشد و چنین دینی جز اسلام نیست: "وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا" (سوره مائده، آیه ۳) این وعده حتمی و قطعی، هنگامی محقق می گردد که ولی الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه ظهور و تجلی کند. آن روز که یکتاپرستی و توحید، سراسر گیتی را فرا می گیرد و طومار شرک برچیده می گردد، هر معبودی جز او به آتش چیرگی حق بر باطل می سوزد و نابود می گردد: "انه لم یجی تأویل هذه الاية: (وَ قَاتِلُوهُمْ... وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ (سوره انفال، آیه ۳۹) و لو قد قام قائمنا بعده سیری من یدر که ما یكون من تأویل هذه الاية و لیبلغن دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم ما بلغ اللیل حتی لا یكون شرک [مشرک] علی ظهر الأرض، كما قال الله (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۶)؛ فلا یبقی فی الأرض معبود دون الله (عز و جل) من صنم و وثن و غیره، إلا وقعت فیہ نار فاحترق (کمال الدین، ج ۱، ص ۴۴۷ - ۴۴۸). آنچه آلهه پنداشته می شدند و ارباب متفرق بودند، خواه بت‌هایی چوبی و سنگی

یا غیر آن‌ها، فرجامشان جز نابودی نخواهد بود. و بدینسان حق بر تمام عالم حاکمیتی مطلق می یابد، به گونه ای که هیچ معاند لجوج و منکر عنودی نمی ماند، مگر در برابر تیغ عقل تسلیم می شود؛ یا با زبان شمشیر با او سخن گفته می شود، به طوری که نه یارای مقاومت و نه توان ایستادگی در برابر حق را داشته باشند، از این روست که دیگر زمینهای برای تقیه نمی ماند و سخن نورانی صادق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در تطبیق «سَدِّ ذَوَالْقَرْنَيْنِ» بر تقیه ناظر به قبل از ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه است: عن المفضل قال: سألت الصادق علیه السلام عن قوله: أَجْعَلُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ رَدْمًا (سوره کهف، آیه ۹۵)؛ قال علیه السلام: «التقیة». فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَ مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا (سوره کهف، آیه ۹۷)؛ قال علیه السلام: مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا إِذَا عَمِلَ بِالتَّقِيَةِ لَمْ يَقْدِرُوا فِي ذَلِكَ عَلَى حِيلَةٍ وَ هُوَ الْحِصْنُ الْحَصِينُ وَ صَارَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ سَدًّا لَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُ نَقْبًا (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۵۱). ما با ظهور آن حضرت هر یاجوج صفت و هر مأجوج وصف یا ساکن و یا ساکت می گردد و جایی برای سدسازی با تقیه نیست. نیز آن حضرت وعده الهی را که سبب برچیده شدن آن سد می شود، بر قیام آخرین حجت الهی عجل الله تعالی فرجه و روز ظهور او تطبیق فرموده است؛ همان روزی که در آن از دشمنان خدا انتقام گرفته می شود: سَأَلْتَهُ عَنْ قَوْلِهِ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ (سوره کهف، آیه ۹۸)؛ قال علیه السلام: رَفَعَ التَّقِيَةَ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَيَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ. (بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۰۷). آنچه آلهه پنداشته می شدند و ارباب متفرق بودند، خواه بت‌هایی چوبی و سنگی یا غیر آن‌ها، فرجامشان جز نابودی نخواهد بود. و بدینسان حق بر تمام عالم حاکمیتی مطلق می یابد، به گونه ای که هیچ معاند لجوج و منکر عنودی نمی ماند، مگر در برابر تیغ عقل تسلیم می شود؛ یا با زبان شمشیر با او سخن گفته می شود، به طوری که نه یارای مقاومت و نه توان ایستادگی در برابر حق را داشته باشند، از

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

این روست که دیگر زمینه‌ای برای تقیّه نمی‌ماند. با برپایی حکومت عدل و حق به دست آخرین حجت خدا عجل الله تعالی فرجه نه‌تنها پایانی بر شرک و بت‌پرستی بلکه پایانی بر تجمل‌ها و تشریفات زائدی است که نه‌تنها راهگشای سعادت بشری نیست، رهن اوست؛ به ویژه تشریفات و تجملاتی که راه عقل بشر را از فهم عمیق دین و عمل برطبق آن به بیراهه ظاهرگرایی منحرف می‌سازد، چرا که سعادت بشر در گرو دینداری است و تقویت دینداری، در خوب فهمیدن و درست عمل کردن و خوب حمایت کردن از دین است؛ نه تشریفات چون تذهیب و نوشتن متن وحی به آب طلا یا تزیین و تذهیب تجملاتی مساجد که فقهای کرام به حرمت یا کراهت آن فتوا داده‌اند، آن‌گونه که وجود مبارک امام صادق علیه السلام فرمان الهی خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ (سوره بقره، آیه ۶۳ و ۹۳؛ سوره اعراف، آیه ۱۷۱) را اخذ با قدرت فهم عقلی، ایمان قلبی و عمل بدنی معرفی می‌کند: عن إسحاق بن عمار و یونس قالاً: سَأَلْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ أَوْ قُوَّةٍ فِي الْأَبْدَانِ أَوْ قُوَّةٍ فِي الْقُلُوبِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِيهِمَا جَمِيعاً. (المحاسن، ج ۱، ص ۴۰۷). بر همین اساس است که وجود مبارک ولّی عصر عجل الله تعالی فرجه برای اقامه عدل جهانی که در گرو احیای معارف الهی و تقویت عقل و ایمان بشر است، بر این تشریفات زائد خط بطلان خواهد کشید. عدل افشانی آن وجود مبارک در سخنان نورانی اهل بیت وحی و عصمت به ویژه کلام گهربار حضرت سید الشهداء، حسین بن علی علیهما السلام چنین آمده است: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي يَمْلُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا كَذَلِكَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ. (کمال الدین، ج ۱، ص ۴۳۴ - ۴۳۵). از این حدیث نورانی برمی‌آید که ظهور موفور السرور امام عصر عجل الله تعالی فرجه و تشکیل حکومت عدل‌آفرین او از آن جهت است که جامعه بشر به آرمان آفرینش خویش که گستردگی عدل و گرفتن

داد هر مظلوم از ظالم و جلوگیری از شکم‌بارگی زورگویان و گرسنگی مظلومان است، رسد که میثاق مأخوذ خداوند از عالمان راستین دین است. جامعه آرمانی حضرت مهدی (عج) را می‌توان از دو جهت بررسی کرد:

۱. اول، به عنوان آرمانی دوردست که باید در انتظار تحقق آن نشست؛ آرمانی که در وضع موجود بشر هیچ تأثیری ندارد. دوم، نیک‌شهری با تمام ویژگی‌های آرمانی آن، به عنوان الگویی واقعی برای سامان‌بخشی به وضع موجود و هدفی خارجی، که می‌تواند حرکت‌های اجتماعی ما را جهت بخشد. البته تحقق کامل این آرمان، به دست حضرت مهدی (عج) خواهد بود (قوامی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷). اما هم‌اکنون که توفیق دست‌یابی به جامعه موعود نیست، باید تلاش کنیم با الگو قرار دادن جامعه مطلوب مهدوی، درصدد ایجاد جامعه‌ای پاک برای خویشتن باشیم.

۲. «مدینه‌های فاضله بشری مزبور، نوعی مدینه انتزاعی ارائه می‌کردند، ولی مدینه مهدوی چهره‌ای واقعی و غیرانتزاعی دارد؛ مدینه‌ای است که در آن مشارکت همگانی وجود دارد؛ چراکه انسان در وجود و بقای آن ناگزیر از مشارکت بوده و مشارکت نیازمند قانون است. «قانون‌گذار باید دارای ویژگی و خصوصیتی باشد که دیگران ندارند» (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ص ۳۷۹). جلوه‌ای از این مدینه را می‌توان در آراء ملاصدرا مشاهده کرد. نظرات صدرالمتألهین، مدینه فاضله او را دست یافتنی قرار داده است؛ مدینه‌ای دنیایی و این‌زمانی که سبب صعود انسان به سوی خداست (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۵۶۴).

این مدینه فاضله، در سه خصیصه کمال نفسانی، زبان فصیح، و بدن قوی برای رئیس جامعه خلاصه می‌شود؛ طبق نظر او رئیس مدینه باید «انسانی باشد که نفسش کامل و در مرتبه عقل بالفعل باشد» (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۵۶۲). کمال اول، برای رئیس جامعه همین است. ثانیاً، با زبان خود بتواند آنچه که می‌داند به خوبی در سخن مجسم بدارد و

از عهده ارشاد به سعادت و کارهایی که مایه نیل به سعادت هستند، برآید. علاوه بر دو خصیصه اول، دارای توان و پایداری بدنی برای معاشرت و انجام کارهای جنگ باشد (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۵۶۳). هر یک از این سه خصیصه، برای کامل بودن نیازمند خصائص فطری زیادی هستند که صدرالمتالهین، آن را در دوازده خصیصه‌ای که از مباحث دینی گرفته شده، جمع‌آوری می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۵۶۴).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در طول تاریخ بشریت، رسالت اصلی انبیای الهی بر دو محور توحید و ایجاد قسط و عدالت استوار بود. در قرآن کریم نیز کارگزار عدل گستر، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) است و یکی از اهداف برانگیخته شدن ایشان نیز همین است و در آیات و بسیاری از روایات، تحقق جامعه آرمانی و ظهور منجی مصلح مسلمانان که عدالت را در سراسر گیتی بگسترده و توحید را حاکم گرداند وعده داده شده است تا رسالت جهانی نبوت را به اتمام برساند. روشن است که جامعه عدالت محور مهدوی با سایر مدینه‌های فاضله‌ای که فیلسوفان ترسیم کرده اند تفاوت اساسی دارد؛ زیرا آنان، مدینه فاضله را در فضای فکری خود ترسیم نموده و ایده آنان بر عقل و فکرشان استوار است، اما جامعه عصر ظهور از دیدگاه مسلمانان استوار بر وحی و به دور از تخیلات و عقلیات بشری و مبتنی بر سنتی است که متصل به وحی الهی است. لذا معیارهای طراحی شهرهای ایران در آرمانشهر مهدوی شیعی عبارتند از:

۱. «عدالت»: یکی از برترین و گرامی‌ترین آرمانها و اصول اساسی زندگی بشر، عدالت است. قرآن کریم هدف اساسی رسالت آسمانی تمامی پیامبران را برقراری عدالت می‌داند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیوم الناس بالقسط»^۱. در آیه فوق الذکر، اولین رسالت و هدف پیامبران و کتابهای آسمانی، استقرار عدالت است. آنها نه تنها

برای چنین هدفی مبعوث شده‌اند بلکه باید برای تحقق و استقرار آن می‌بایست فعالیت نمایند. منظور از عدالت آن است که هر حقی به صاحب حق داده شود و هر کس بر اساس تواناییها و استعداد و ظرفیت خویش بهره و امتیاز گیرد نه بیشتر و نه کمتر و عدول از این اصل نیز به معنای عدول از اصل حق محوری و مرتکب ظلم و تعدی شدن است. در این چهار چوب فرق نمی‌کند که صاحب حق فرد، اجتماع یا هر چیز دیگر باشد. باید بدون ستم و تجاوز حقت ضایع نگردد و به حق و حدود دیگران نیز تجاوز ننماید. در جامعه‌ی آرمانی یا یک شهر اسلامی، محور تمام فعالیت می‌بایست معطوف به اصل عدالت و حق و عدم تجاوز و تعدی به حقوق دیگران باشد و این اصل می‌بایست در تمامی عرصه‌های زندگی، فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جز آن رعایت شود.

۲. «اصل توحید و خدامحوری»: در یک جامعه یا شهر آرمانی در جهان دینی، اصل توحید و خدا محوری، رکن اساسی است و خصلت اصلی شهر دینی، ایمان به اصل مذکور و پذیرش الزامات ناشی از آن است. بر اساس اصل توحید، هیچ کس و هیچ چیز جز خداوند، قابلیت و شایستگی عبادت را ندارد و هیچ چیزی جز او لیاقت اطاعت، کرنش، عبودیت و پیروی را ندارد. او تنها کسی است که شایسته و زیننده است که کمرها در مقابل کرنش خم بشوند، سرها به سجده روند و زبانها به تسبیح و ستایشش باز و اندیشه او دلها در برابر قدرتش کرنش نمایند. تمام کاینات و موجودات می‌بایست به ربوبیت و پروردگاری وی اعتراف نمایند.

۳. «حفظ کرامت و عزت نفس آدمی»: در یک جامعه آرمانی، انسانها دارای کرامت و عزت نفس‌اند و این عزت و کرامت باید حفظ شود و محور تمام تصمیمات و سیاست‌گذار نیز با چنین باشد. چنانچه می‌دانیم، در اندیشه‌ی دینی انسان موجودی، عاقل،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۵۱

مختار، شریف و برخوردار از کرامت، است. کرامت انسانی برترین گوهری است که خداوند تبارک و تعالی به انسان ارزانی داشت و به عین آن- انسان را از دیگر موجودات خود برتر و متمایز ساخت. عنصری که بر اساس آن انسان از سایر موجودات برتری یافت و تمام فرشتگان مأمور شدند که در برابر این کرامت کرنش کنند و او را بزرگوار و خود را خوار نمایند.^۱ در هر صورت فرشتگان مأمور به سجده بر آدم شدند و ابلیس چون از این فرمان سر برتافت، از درگاه الهی رانده شد و به سبب تکبرش، دشمن خدا گردید.^۲ گرچه انسان اولیه به دلیل سرپیچی از فرمان خدا، از فردوس برین هبوط کرد و به سوی زمین رانده شد. اما همچنان گوهر ارزشمند کرامت الهی را با خود داشت و با آن پا به جهان مادی گذاشت.

۴. «آزادی و برابری»: در آرمانشهر اسلامی، انسانها بنابر اصل توحید «آزاد و برابر» آفریده شده‌اند تمامی انسانها آفریده خداوند و وی انسانها را «برابر و آزاد» خلق نموده است. انسانها از بدو تولد، دارای هیچ امتیاز و برتری ذاتی و فطری نمی‌باشند تا مبنای برتری و نابرابری آنان گردد و احیاناً عده‌ای خویش را مستحق فرمانبرداری و دیگران را ملزم به اطاعت نمایند. آزادی و برابری انسانها وسیله‌ای فطری و الهی است و ریشه در فطرت و طبیعت انسان دارد و هیچ فردی حق سلب این حقوق از آدمی را ندارد، حضرت در این باره می‌فرماید: «ای مردم، حضرت آدم نه بنده‌ای ترسید کرده و نه کنیزی و همه مردم آزادند، لکن خداوند تدبیر و اداره‌ی بعضی از شما را بر بعضی دیگر سپرده است.^۳» در هر صورت به نظر می‌آید یکی دیگر از مؤلفه‌های شهر اسلامی، آزادی است. این آزادی مشمول تمام حوزه‌های فردی، اجتماعی، دینی و سیاسی است. و در جامعه اسلامی

وظیفه شهروندان و دولت نسبت به یکدیگر این است که حق را پاس بدارند.

۵. «امنیت»: مؤلفه دیگر شهر آرمانی در اندیشه‌ی دینی، وجود «امنیت» در تمامی عرصه‌های آن است. در نگرش دینی، خداوند موجودی امنیت آفرین است و یکی از صفات خداوند «السلام المؤمن» می‌باشد. مؤمن به دلیل پایبندی به ایمان به دین، هم خود را امنیت و هم امنیت بخش است. در قرآن کریم آیات متعددی بر این نکته تأکید دارد که «ایمان و پذیرش پیام الهی» امنیت بخش خواهد بود و به مردم می‌گوید به خدا ایمان بیاورید و عبادت کنید او را تا از خوف و ترس و وحشت در امان باشید. از این رو باید گفت که یکی از سرچشمه‌های اصلی امنیت و ناامنی، ایمان و عدم ایمان به خداوند است. ایمان به وی برای انسان ایجاد آرامش، امنیت و دلگرمی می‌کند و در مقابل نفی و رد آن سایه ترس، خوف و وحشت و هولناکی است. ایمان به خدا و یادآوری ذکر وی چنانچه قرآن می‌فرماید، مایه‌ی آرامش و اطمینان است.^۴

۶. «اصل مسؤولیت و عطوفت به طبیعت»: در نگرش دینی به دلیل حضور خداوند، اعتقاد به اصل توحید و مسؤولیت انسان و همچنین این نکته که سعادت انسان صرفاً در شادی و مصرف به حد و حصر و ارضا غرایز صرف حیوانی نیست، نگرش و رفتار انسان به طبیعت نیز متفاوت است. از این رو انسان تلاش ندارد تا به نحوی افراطی بر طبیعت مسلط و چیره شود و آنرا صرفاً به خاطر ارضای خواسته‌های نفسانیش نابود نماید. انسان در این چهارچوب خویشتن را در برابر طبیعت و هستی مسؤول و موظف می‌داند، گرچه بر آن سلطه دارد و در آن دخل و تصرف می‌کند، ولی تصرفش بی حد

۱. نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، (تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۸)، خطبه ۱، صفحه ۵ و بقره/ ۳۴
۲. همان خطبه ۱۹۲، صفحه ۲۱۱ و ۲۱۰
۳. محمد تقی جعفری، «حکمت اصل سیاسی اسلام: ترجمه و تفسیر فرمان مبارک امیرالمؤمنین علی (ع) به مالک اشتر»، (تهران، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۳۶۹)، صفحه ۳۵۱
۴. حشر / ۲۳
۵. الا بذکر الله تطمئن القلوب

و حصر نیست. او به هستی و طبیعت به منزله‌ی مخلوق خداوند و موجودی ذی شعور، احترام و حرمت قایل است. آن را متعلق به خود نمی‌داند تا هر گونه که خواست با آن رفتار نماید. طبیعت را متعلق به خدا و دیگر مخلوقات و دیگر انسانها می‌بیند. در عصر تجدد، طبیعت به مثابه‌ی دشمن انسان رسمیت یافت و بشر وظیفه خود دانست تا در آن دخل و تصرف نماید و آنرا زیر چنگال سلطه‌آمیز خویش قرار داد. انسان با خصومتی وصف ناپذیر جهان را عرصه تاخت و تاز ارضا‌گرایز خویش ساخت بدون آنکه به عواقب چنین عمل خودسرانه‌ای بیندیشد. بر اساس آنچه در مقاله گفته شد، ویژگیهای زیر را در مقایسه بین آرمانشهرها در مکاتب و جریانهای فکری مختلف می‌توان برشمرد:

۱. «**معرفت شناسی اجتماعی و جامعه شناسی معرفت**»: طرح‌های آرمانشهری تصویری واژگونه از نظام‌های موجود و در عین حال، محصول فرهنگهای گوناگون بر اساس اقتضائات زمانی و مکانی بوده است.

۲. «**برابری و عدالت اجتماعی**»: در تمامی آرمانشهرها بر بحث برابری اجتماعی افسار اجتماع تاکید شده است.

۳. «**نظم و هماهنگی در سیستم‌های شهری**»: جدای از مفهوم سیستم‌های شهری در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باید گفت که

شهر آرمانی، شهر نظم و هماهنگی تصور شده است. شهری که مرجع هر عملی چه قانون و چه سنت تصور شود، باید هماهنگ و همانند با شهروندان تصور گردد.

۴. «**ایستایی و پایداری در ساختار شهری**»: آرمانشهر تصویری از کمال مطلق تصور شده است و حرکت از کامل به کامل از دیدگاه منطق شدنی نیست. از این رو، دولت آرمانی دگرگونی نمی‌پذیرد و اگر بپذیرد به سوی نقص فرض می‌شود.

در عین حال باید گفت که آرمانشهر غربی در جستجوی همه ابعاد در عالم مادی و بطور کامل‌تر در مقام مصداق «غار افلاطونی» است. در این تمثیل، عروج ذهن از بخش‌های پایین خط به بخش‌های بالاتر، پیشرفتی شناخت‌شناسی است و ذهن در جریان مستمری از تکامل، از حالت شناخت ناپسندیده به شناخت کافی دست می‌یابد. مراتب شناخت در معرفت‌شناسی افلاطون، متناظر با مراتب عالم وجود است. عالم وجود به دو مرتبه تقسیم می‌شود: عالم محسوس (دوکساستا) که مشتمل بر تصاویر و اشباح و نیز اشیای محسوس است، و عالم معقول (نوتتا) که مشتمل بر ریاضیات یعنی صور واسطه و نیز مثل و مبادی اولیه است. شناسایی نیز به همین منوال، بر دو قسم است: گمان و ظن (دوکسا) و معرفت (ایپستمه). گمانی که به تصاویر و سایه‌ها تعلق می‌گیرد، پندار یا خیال (ایکازیا) نامیده می‌شود، و گمان متعلق به

افلاطون فیلسوف شهر یونان باستان، دو نظریه معروف دارد، یکی در باب معرفت‌شناسی و دیگری در باب هستی‌شناسی. وی در قلمرو هستی‌شناسی قائل به وجود مجردات عقلی است که آنها را ایده یا مثال می‌نامد، و در دایره معرفت‌شناسی، معرفت حقیقی راه علم به مثل می‌داند. او این دو دیدگاه خود را به وسیله تمثیل مشهور غار در کتاب هفتم محاوره جمهوری شرح بیشتر داده و آن را روشن ساخته است. افلاطون از ما می‌خواهد یک غار زیر زمینی را تصور نماییم که دهانه‌ای به طرف روشنایی دارد. در این غار، مردمی را از آغاز کودکی، روی به دیوار و پشت به ورودی غار، زندانی کرده‌اند، اند و طوری با زنجیر بسته شده‌اند که ناچارند همواره روبه‌روی خود را بنگرند، و هرگز نور خورشید را ندیده‌اند. در بیرون غار، به فاصله‌ای دور، آتشی روشن است که پرتو آن به درون غار می‌تابد و میان آتش و زندانیان، راهی بر بلندی وجود دارد و در طول راه، دیواری کوتاه هست. در سراسر این راه و پشت دیوار، عده‌ای پیکره‌های انسان و حیوان و چیزهای دیگر را با خود حمل می‌کنند به طوری که همه آن اشیاء از بالای دیوار پیداست و بعضی از افراد در حال رفت‌وآمد با یک‌دیگر سخن می‌گویند. زندانیان که رویشان به دیوار درونی غار است، نمی‌توانند یک‌دیگر و چیزهای پشت سرشان را ببینند، اما سایه‌های خود و یایه‌های اشیائی را که روی دیوار غار افتاده است، می‌بینند. آنها فقط سایه‌ها را می‌بینند، سخنانی را هم که می‌شنوند، گفت‌وشنود سایه‌ها با یک‌دیگر می‌انگارند. این زندانیان، نماینده اکثریت نوع بشرند که زندگی خود را در حالت خیال و پندار می‌گذرانند و تنها سایه‌های واقعیت را می‌بینند، به علاوه این که اگر ناگهان آزاد شوند و به آنها گفته شود که به واقعیاتی که قبلاً سایه‌های آنها را دیده‌اند، نظر افکنید، به علت درخشندگی زیاد نور کور می‌شوند، و می‌پندارند که سایه‌ها، بسیار واقعی‌تر از واقعیت هاست.

اشیای محسوس، عقیده (پیستیس) خوانده می شود. اما معرفت متعلق به امور ریاضی را تعقل یا استدلال عقلی (دیانیو) و معرفت به مثل را علم (نوئزیس) می خوانند. طبق تشبیه غار، فرآیند تکامل معرفتی بشر از پایین ترین مرتبه یعنی پندار و خیال شروع شده، به عقیده، سپس به تعقل و در نهایت به علم می رسد. لذا می توان گفت که آرمانشهر غربی چند ویژگی قابل توجه دارد:

۱. در آرمانشهر غربی تقریباً دین و خدا غایب اند، چراکه این دو ناتوانی بشر را جلوه می دهند و این موضوع خوشایند انسان در یک زندگی آرمانی نیست.
۲. در امان بودن از محیط پیرامونی به هر نحوی، حتی اگر باید عدم تماس با خارج گردد، از دیگر مفهوم آرمانشهری در مفهوم غربی آن است.
۳. ضرورت عقلی در مدینه فاضله غربی جای خودآگاهی و اختیار و تفکر دینی را گرفته است؛ و
۴. معماری چنین ساختاری باید شرایط یکسان و برابری را برای انسانها بوجود آورد تا اصل برابری رعایت گردد و لذا از لحاظ شکل ظاهر نمونه و خلاصه کل عالم است و اهل آن نیازی به عالم خارج نداشته و ندارند.

منابع و ماخذ

- (۱۳۵۴)، المبدأ و المعاد، مقدمه و تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، تهران انجمن حکمت و فلسفه .
- (۱۳۶۰)، شناخت از دیدگاه علمی و دیدگاه قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (۱۳۶۱)، حیات معقول، بنیاد انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی، اصفهان، بنیاد انتقال به معارف اسلامی.
- (۱۳۷۳)، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی مولوی، تهران، انتشارات اسلامی.
- (۱۳۷۹)، ایده آل زندگی و زندگی ایده آل، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- (۱۴۰۱ق) اندیشه های اهل مدینه فاضله، ترجمه جعفر سجادی، چ دوم، تهران، زبان و فرهنگ

- ایران. — (۱۸۹۰)، الجمع بین رأیی الحکیمین، بی جا، الزهراء.
- (۱۹۸۰)، قوانین، ترجمه حنا خباز، بیروت، دارالقلم.
- «پاسخگویی رمز حکومت عدل مهدوی» (۱۳۸۳)، انتظار، ش ۱۴، ص ۲۳۵.
- آرتور، کریستین (۱۳۶۷) ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید قاسمی، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ارسطو (۱۳۵۸)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، بی جا، آموزش انقلاب اسلامی.
- آزد ارمکی، تقی (۱۳۷۴) اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان (از فارابی تا ابن خلدون)، انتشارات سروش، تهران.
- استعلامی، محمد (۱۳۷۹) متن و تعلیقات مثنوی، دفتر دوم، کتابفروشی زوار، تهران.
- اصیل، حجت الله (۱۳۸۱) آرمان شهر در اندیشه ایرانی، ویرایش دوم، نشر نی، تهران.
- افلاطون (۱۳۶۰) جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اکبرنژاد، مهدی (۱۳۸۶) بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و سنی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- بهار، مهرداد (۱۳۵۷) گنگ دژ و سیاوشگرد، شاهنامه شناسی، بنیاد شاهنامه فردوسی، تهران.
- بازارگاد، بهاءالدین (۱۳۵۹) تاریخ فلسفه سیاسی، تهران، کتابفروشی زوار.
- پوچی، فرانکو (۱۳۷۷) تکوین دولت مدرن، ترجمه بهزاد باشی، نشر آگه، تهران.
- پین، میکال (۱۳۸۳) فرهنگ اندیشه انتقادی (از روشنگری تا پسامدرنیته) ویراسته ترجمه پیام یزدانخواه، نشر مرکز.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۶۹) «حکمت اصل سیاسی اسلام: ترجمه و تفسیر فرمان مبارک امیرالمؤمنین علی (ع) به مالک اشتر»، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، تهران.

- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۵)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جمعی از محققان (۱۴۱۱ق)، معجم احادیث الامام المهدي، قم، موسسه معارف اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۸)، چشم به راه مهدی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جهانگیری، محسن (۱۳۶۹)، احوال و آثار و آرای فرانسیس بیکن، تهران، علمی و فرهنگی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، امام مهدی موجود موعود، قم، اسراء.
- جوادی، محسن (۱۳۸۶)، نظریه ایمان در عرصه کلام و قرآن، قم، معارف.
- حائری، محمد مهدی (۱۳۸۳) «آثار فردی و اجتماعی عدالت مهدوی»، انتظار، ش ۱۴، ص ۲۱۹.
- حسینی، سید هادی و محمد میره (۱۳۵۷) شهر و شهروندی در اندیشه فارابی، فصلنامه مسکن و انقلاب شماره ۱۱۴، تابستان ۱۳۵۷.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۵۴) اجتماع و اجتماع پذیری فلسفه مدنی فارابی، انتشارات شورای عالی فرهنگ و هنر، تهران.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۵۴) فلسفه مدنی فارابی، انتشارات شورای عالی فرهنگ و هنر، تهران.
- روویون، فردریک (۱۳۸۵) آرمان شهر در تاریخ اندیشه غرب، مترجم: عباس باقری، تهران: نی.
- سیاست مدنی، ابونصر فارابی، مترجم: سید جعفر سجّادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
- شوای، فرانسواز (۱۳۷۵) شهرسازی: تخیلات، واقعیات، ترجمه دکتر سید محسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران.
- صاحبی، محمد جواد (۱۳۸۲) جهانی شدن و دین: فرصت ها و چالش ها (مجموعه مقالات چهارمین کنگره دین پژوهان)، احیاگران.
- صافی گلپایگانی (بی تا)، منتخب الاثر، چ هفتم، تهران، مکتبه الصدر.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۶)، کمال الدین و تمام النعمه، قم، نشر اسلامی.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۷۴)، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، تهران، قومس.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۸۶)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- علامه طباطبائی (۱۳۶۳) «تفسیر المیزان»، ترجمه سید باقر موسوی، تهران.
- عنایت، حمید (بی تا)، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، تهران، دانشگاه تهران.
- فارابی (۱۳۵۸) سیاست مدنی، ترجمه جعفر سجّادی، تهران، انجمن فلسفه ایران.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۷۶) السیاسه المدینه، ترجمه حسن ملک شاهی - سروش، تهران.
- فلسفه تاریخ، مرتضی مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۷۰.
- فولکیه، پل (۱۳۷۰)، فلسفه عمومی یا مابعد الطبیعه، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، دانشگاه تهران.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (بی تا)، منابع الموده، قم، مکتبه محمدی.
- قوامی، سیدصمصام الدین، «مدیریت، عدالت، مهدویت» (۱۳۸۳)، انتظار، ش ۱۴، ص ۱۸۷.
- کریستین (۱۳۵۵) کیانیان، ترجمه ذبیح ... صفا، چاپ چهارم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۷۵)، تاریخ فلسفه، سیدجلال الدین مجتبوی، تهران، سروش.
- کریستون، جولوس (۱۳۷۷)، انتظار مسیحا در آیین یهود، حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، اصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گرت جونز (۱۳۸۴) ماکجاآباد: مسائل امروز در عصر جهانی، مترجم: عبد الحسین آذرنگ، تهران: سخن.
- لین تونی (۱۳۸۰)، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسریان، تهران، فروزان روز.
- لینچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ

دانشگاه تهران.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تهران، المكتبه الاسلاميه. محسنی کبیر، ذبیح الله (۱۳۷۶) مهدی (ع) آخرین سفیر انقلاب، تهران: دانشوران. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، مجموعه آثار، چ پنجم، قم، صدرا.

مفید، محمدبن محمد (۱۳۰۸)، الارشاد، بی جا، بی نا.

ملاصدرا (صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی) (۱۳۸۳)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، تصحیح محمد خامنه‌ای و غلامرضا اعوانی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

موحدیان عطار، علی (۱۳۸۸)، گونه‌شناسی اندیشه منجی در ادیان، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

مور، تامس (۱۳۶۱) آرمانشهر، ترجمه داریوش آشوری، خوارزمی، تهران.

موریس، جیمز (۱۳۷۴) تاریخ شکل شهر، ترجمه راضیه رضازاده، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

موسوی اصفهانی، محمد تقی، (۱۳۸۱)، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، قم، ایران نگین. نامدار طالشانی، مظفر (۱۳۸۵) حکمت آرمانی و نظام شناخت عقلانی سیاست، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری: گروه تحقیقات سیاسی علوم (پایان نامه دکتری).

نامی النجار (۱۴۰۶) جزیره خضراء و تحقیق پیرامون مثلث برمودا، ترجمه و تحقیق علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم، انتشارات نصر.

نظامی گنجوی (بی تا) بهرام نامه، به کوشش وحید دستگردی، مؤسسه مطبوعاتی علمی، تهران.

نهج البلاغه (۱۳۷۸) ترجمه جعفر شهیدی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پانزدهم، تهران.